

حوادث تاریخی صدر اسلام باشد بلکه درصد تحلیل و بهره‌گیری معرفتی از حوادث یادشده است و به تعبیری می‌خواهد تاریخ صدر اسلام را برای خوانندگان کتابش زنده و ملموس کند.

مترجم محترم کتاب در ترجمه آن تلاش کرده است به متن متمهد بماند و همین تمهد گاه بیان وی را از شیوه استوار نویسی و زبان معیار دور کرده است و گاه کاملاً رنگ و بوی ترجمه از آن پیداست. نمود ترجمه در ترجمه شعرهای عربی بسیار پررنگتر است. اگر مترجم محترم ترجمه اشعار را در ذیل صفحه‌ها و بطور مجزا می‌آورد شاید تأثیر رنگ ترجمه آن‌ها در متن کمتری شد و از ایجاد وقفه در خواندن متن می‌کاست.

بسیار مناسب بود مترجم محترم ترجمه آیات قرآنی را از یک ترجمه معین و قابل اعتماد می‌آورد چون به نظر می‌رسد در مواردی ترجمه از سلاست برخوردار نیست و در مواردی در صحت ترجمه تردید وجود دارد، به عنوان نمونه در صفحه ۵۸ ترجمه این بخش آیه ۳۲ سوره زخرف «... ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا...» به شکل زیر جای تردید دارد: «... و بعضی را بر بعضی دیگر برتری دادیم تا بایکدیگر همکاری کنند...»

در ترجمه اشعار گاه مواردی قابل تردید وجود دارد. ترجمه اشعار عربی سختی و صعوبت خاص خود را دارد و کمتر قابل برگردان دقیق به زبان دیگر است. از جمله موارد قابل تامل در ترجمه اشعار موجود در متن کتاب «شعر ذیل است:

« نضع الأسياف في أكتافكم  
حيث نهوى غللا بعد نهل  
« انذولون على أعقابكم  
هربا في الشعب أمثال الرسل

مترجم محترم این دو بیت را به شرح زیر ترجمه کرده است: «ما شمشیرهایمان را در پهلوها و سینه‌های شما فرود می‌آوردیم»

«هنگامی که شما به همان اخلاق و افکار پست دوران جاهلیت خود برگشتید و در آن دره مانند حیوان‌های افسار گسیخته پا به فرار گذاشتید.»

به نظر نمی‌رسد که شاعر در صدد بیان افکار و اخلاق پست مخاطب خود باشد، بلکه وی از فرار و ترک میدان جنگ سخن می‌گوید بهتر است چنین ترجمه شود:

«ما در پی بهانه‌ایم تا پس از آرامش کوتاه شمشیرها را در سینه‌هایتان فرو کنیم. آن‌گاه چون حیوانات افسار گسیخته در درون دره‌ها پشت به جنگ کرده فرار خواهید کرد.»

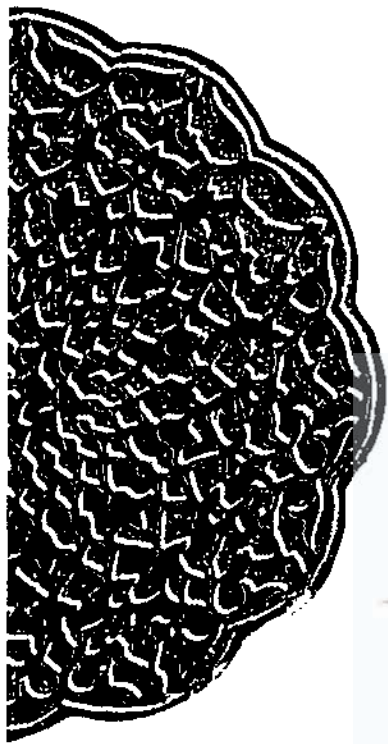
هیچ‌کدام از این ایرادهای جزئی ارزش کار مترجم محترم را پایین نمی‌آورد و وجود مواردی قابل تامل در هر کتابی که از زبانی به زبان دیگر منتقل شود امری طبیعی است به ویژه کتابهایی که در آن از اشعار و سروده‌ها بهره گرفته شود زیرا شاعران در بسیاری موارد به طور اشاره و گلزا سخن می‌گویند و حتی در فهم مراد آنان گاه باید شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی سروده را در نظر گرفت تا به مراد شاعر نزدیک شد. به مترجم محترم باید دست مرزاد گفت و توفیق وی را در ترجمه کتب دیگر به زبان فارسی آرزومند بود.

# مروری بر کتاب

## «زن»

• سید ضیاء الدین مرتضوی

■ زن  
■ مهدی مهریزی  
■ خرم  
■ ۲۴۲ ص  
■ چاپ اول، ۱۳۷۷  
■ رقعی (شمیزی)  
■ بها: ۶۵۰۰ ریال



آوردن آثار و لوازم، احکام و قوانین حاکم بر هر یک کاری سهل نیست و زمینه‌ای است سخت برای لغزیدن و به افراط رفتن یا در تقریط گرفتار آمدن.

برخی ساحت انسانی را، تمام ساحت‌های زندگی زن و مرد پنداشته و هر گونه تفاوت را منکرند و اگر بتوانند می‌خواهند با طبیعت نیز ستیزه کنند تا هر چه رنگ تفاوت دارد بزدایند. و گروهی دیگر ساحت جنسیت را تمام ساحت‌های زندگی انسان می‌انگارند هر چند به لفظ انکار می‌کنند. از این‌رو دایره کمالات مرزبندی می‌شود و اثرپذیری و اثرگذاری منفی میان این دو جنس چنان لوج می‌گیرد که یکی همواره عامل مفاسد و شرور می‌گردد و دیگری برحذر از حضور و موجودیت او.

برخی در دایره‌ای « بسته » با تکیه بر بخشی از متون دینی و ظواهر ادله و با انسان‌شناسی ناقص و ناپخته خویش، به زنان و مسایل آنان می‌نگرند و بسیاری محدودیت‌ها و قید و بندها را در ذهن و اندیشه و نیز در دستورالعمل‌های خویش پدید می‌آورند و برخی «رها» از برخی چارچوب‌ها و ملاک‌های روشن دینی و بی‌توجه یا کم‌توجه به موازین شرعی به تجزیه و تحلیل مسایل زنان می‌نشینند و بیشترین تلاش خود را نه در فهم جامع و صحیح مسایل آنان، بلکه در تطبیق نصوص دینی و متون شرعی با اندیشه‌ها و ذوقیاتی که به آن خو گرفته یا به کام ذوقشان خوش نشسته، به کار می‌ینند. این است که در بررسی و شناخت صحیح زن و مسایل او به عنوان بخشی از دستگامی که برای هدایت انسان آمده باید

تصویری که اسلام بر پایه متون اصیل از زن نشان می‌دهد این است که زن انسان است اما مرد نیست؛ چنان‌که مرد نیز انسان است ولی زن نیست. ساحت‌های زندگی نیز به دو بخش انسانی و جنسیتی تقسیم می‌شود. ساحت انسانی، زن و مرد نمی‌شناسد جنسیت نمی‌پذیرد و از وصف مرد بودن و زن بودن به دور است. چنان‌که فرمود: «ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقیکم» (حجرات/ ۱۳). پس در بعد انسان‌شناسی باصل و جدت نوع میان زن و مرد، به عنوان مبنای‌ترین و فراگیرترین اصل در ارزش‌گذاری جنس زن و مرد به شمار می‌رود؛ حقیقتی که فراتر از ملاک «جنسیت» است. در آن دسته از خطاب‌های قرآن و رهنمودهای دینی که مخاطب آن، هویت انسانی می‌باشد، مثل اصل ایمان به توحید، نبوت، معاد و اصولاً مقوله اعتقادات، از آنجا که مستقیماً با «خویشستن» و «نفس» آدمی مرتبط است و به آن «گره» می‌خورد، تفاوت بی‌معناست و اگر پذیرفتیم عمده‌ترین و اصلی‌ترین ارزش‌های دینی، در بخش اعتقادات شکل می‌گیرند آن‌ها را خواهیم کرد که در نگرش کلی به مسایل زنان، در بعد انسان‌شناسی و در مبنای‌ترین ارزش‌های اعتقادات و به عبارت دیگر در امور انسانی، «تبعیض جنسی» راه نخواهد داشت. اما در ساحت جنسیتی زندگی، زن باید زن باشد و کار زنانه کند و به لوازم و آثار آن پایبند گردد هم چنان‌که مرد باید در این عرصه مرد باشد و کار مردانه کند. شناخت و تفکیک این دو میدان و به دست

نخست به مبانی و ملاکها و اصولی توجه کرد که به عنوان دستمایه‌های اصلی و زیرین و سنگ بنای شناخت درست زن و مسایل او به شمار می‌رود. کما اینکه در حوزه مطالعات دینی و بهره جستن از علوم نیز نکاتی اصولی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

زن عنوان کتبی است از مجموعه «از اسلام چه می‌دانیم؟» که توسط پژوهشگر محترم حجت الاسلام مهدی مهریزی به نگارش آمده است. برخی اصول که در حوزه مطالعات دینی زنان و نیز بهره‌گیری از دستاوردهای علوم، در نگاه مولف به عنوان مبنا و معیار به شمار می‌روند اینهاست:

۱- در مطالعات دینی نباید از محوریت قرآن غفلت ورزید. قرآن منبع نخستین و اصلی، در دین‌شناسی است. حدیث و روایت را باید در پرتو آن مطالعه کرد. و نیز باید که تمامی قرآن، قصه‌ها، آیات الاحکام، معارف، مواعظ و... را منظور داشت.

۲- در مطالعات دینی باید مجموعه سخنان، اقوال، سیره عملی پیامبر (ص) و پیشوایان دینی (ع) را گردآورد و کنار هم نهاد؛ انگله به استنباط و استخراج آراء رو کرد. تجزیه کردن روایات و آیات تار و است منظور نکردن سیره عملی پیامبر و اهل‌بیت بزرگ است و در مباحث زن‌شناسی هم نباید این اصل را از نظر دور داشت.

۳- مسأله جعل و تحریف و تأثیر فرهنگ‌های غیر

دینی، نباید نادیده انگاشته شود. چه بسا در پژوهش‌ها و دقت‌ها معلوم گردد که آنچه را ما از دین می‌شناسیم، امری غیر دینی باشد که در خلال قرون از فرهنگ‌های دیگر رسوخ کرده است.

۴- در استفاده از دستاورد

اندیشه‌های بشری و علوم تجربی باید اتفاق و مسلم بودن آن را الحراز کرد. چه بسیار دیدگاهها و نظریه‌ها به ویژه در حوزه انسان‌شناسی عرضه شده، که هیچ مبانی علمی ندارد و نمی‌تواند مستند محقق و پژوهشگر قرار گیرد.

۵- در بررسی مسایل زنان باید واقمیت‌های خارجی، تاریخ گذشته ملل و اقوام گوناگون را در نظر داشت.

اینها به عنوان اصول موضوعه‌ای است که مولف تلاش کرده است در نوشته خویش، مبانی تجزیه و تحلیل موضوعات ششگانه کتاب قرار دهد. نخستین بخش کتاب که در واقع اساسی‌ترین موضوع در «زن‌شناسی» می‌باشد به تبیین «شخصیت زن» پرداخته است، و این درست ناشی از این واقعیت است که بسیاری از دلوری‌های غلط ریشه در تلقی نادرست از زن دارد. هر جریان فکری بر اساس تصویری که از شخصیت زن ارائه می‌کند می‌تواند در دیگر مسایل زنان نظر دهد. آنچه در این کتاب به استناد آیات بسیار و روایات متعدد مورد تأکید قرار گرفته، این است که از نظر گاه اندیشه اسلامی، زن انسانی است که همه مواهب رشد را داراست، نقص و خللی در جوهر وجودش نیست، ابزار تکامل و رشد را به اندازه مردان واجد است بحر حیات و

برخی  
ساحت  
انسانی را،  
تمام  
ساحت‌های زندگی  
زن و مرد  
پنداشته و هر گونه  
تفاوت را منکرند  
و اگر بتوانند  
می‌خواهند با طبیعت  
نیز ستیزه کنند،  
تا هر چه  
رنگ تفاوت دارد،  
بزدایند



Handwritten signature or mark at the bottom right of the page.



آفرینش موجودی مستقل است و طفیل دیگری نیست .

حضور زن ، در سه عرصه کلان زندگی فردی ، خانواده و جامعه ، با عنوان « کمالات انسانی » ، « زن و خانواده » « مشارکت زنان در حیات اجتماعی » ، سه بخش بعدی کتاب را به خود اختصاص داده است .

نخستین ساخت هویت مشترک زن و مرد ، عرصه کمالات انسانی است و باب کمالات انسانی در پرتو شریعت اسلامی ، یکسان به روی زنان و مردان گشوده است . هم بر اساس متون و منابع دینی یعنی قرآن و سنت می توان از این حقیقت سخن راند و هم از شواهد تاریخی و خارجی می توان کمک گرفت و اثبات نمود که تکامل انسانی در دو عرصه دانش و سلوک معنوی ، امری منحصر به مردان نیست .

تنها زمانی می توان به شخصیت انسانی برابر زن و مرد معتقد بود که آن را بتوان در ساحت های حیات به اثبات رساند . عرصه زندگی خانوادگی از اساسی ترین عرصه های حیات انسانی زن و مرد است . برای دستیابی به آگاهی از هویت مشترک زن و مرد در ساحت خانواده باید نخست تلقی دین از ازدواج و تشکیل خانواده را روشن ساخت و سپس به تبیین این نکته پرداخت که زن در خانواده چه جایگاهی دارد؟ این دو پرسش به استناد و اتکالی متون دینی در سومین بخش کتاب بررسی شده است . هرچند به نظر می رسد اگر در این بخش به پرسشی اساسی تر و به گونه ای مشروح تر پرداخته می شد مناسب و بلکه لازم می نمود و خللی نیز به تناسب حجم مباحث کتاب وارد نمی ساخت و آن اینکه اساسا جایگاه خانواده و تعریفی که از منظر دین و شریعت اسلامی نسبت به این نهاد بشری داریم چیست؟

عرصه حیات اجتماعی سومین ساحت تکاپو و تلاش آدمی برای نیل به کمال است . بخش عظیم از استعدادها و توانایی ها در این میدان به فعلیت رسیده و شکفته می شود . نیز این عرصه در دست یابی به کمالات فردی و موفقیت در حیات خانوادگی به روشنی موثر است .

در نگاه مولف ، حیات اجتماعی سه عرصه کلان دارد :  
۱- اشتغال و فعالیتهای اقتصادی ؛ ۲- فعالیت های اجتماعی چون تعلیم و تربیت ، ورزش ، هنر ؛ ۳- مشارکت سیاسی . پرسش این است که آیا همه این حوزه ها باهمه گستره خود در انحصار مردان است و زنان را سهمی نیست ؟ یا اساسا محدودیتی نیست و این عرصه جنسیت بر نمی تابد ؟

همواره تفریطها ، افراطها را در پی دارد . عرصه مشارکت اجتماعی زنان نیز از این آفت به دور نبوده است . مراجعه به قرآن کریم و سیره پیامبر (ص) و امامان (ع) راهی معقول و روشن را معرفی می کند . عنوان های « جواز مشارکت اجتماعی » ، « انگیزه های مشارکت » و « آداب مشارکت » محورهای سه گانه ای است که مولف ضمن آن به استناد آیات و روایات متعدد ، راه معقول و مورد نظر خویش را بیان می کند .

لازم می نمود مولف محترم طرح و چارچوب کلی و انگیزه تالیف آن را نخست به گونه ای روشن بازگو می کرد تا خواننده بتواند سطح خواست و توقع خویش از آن را در دستیابی به پرسشهای خود هماهنگ با طرح اولیه و انگیزه نویسنده کند . هرچند مطالعه مباحث کتاب و نیز آشنایی با دیگر آثار مولف نشان می دهد که در این نوشته و به تناسب طرح کلی « از اسلام چه می دانیم » هدف ، ترسیم نمایی کلی و نه چندان مشروح از چهره زن در دستگاه فکری دینی و در نظام آداب و احکام شریعت بوده است ، ولی با اینحال در باب مشارکت اجتماعی و بویژه بخش مشارکت سیاسی پرسش های عمده ای و حداقل مطرحی وجود دارد که خواننده در پی آن است و در این بخش

پاسخی دریافت نمی کند .

جمع میان مسوولیت های اجتماعی و وظیفه خطیر خانهداری بگونه ای که هر یک به فراخور جایگاه و اهمیت خود به انجام رسد موضوعی بسیار درخور توجه است . و همین مهم ، نویسنده را بر آن داشته است که در پایان این بخش خوانندگان را به سه نکته توجه دهد : ۱- رسیدگی به امور خانه و تربیت فرزندان وظیفه اساسی زنان است و البته برای پایداری و سلامت خانواده ، مردان و همه نهادهای اجتماعی باید بکوشند ؛ ۲- اساسی بودن وظیفه خانهداری زنان ، به معنای نفی وظیفه های دیگر اجتماعی نیست . هم زنان به جامعه نیاز دارند و هم جامعه بدون زنان نمی تواند سالم و بالنده باشد ؛ ۳- ادعای تعارض قطعی و دایمی میان وظیفه خانهداری و امور دیگر امری باطل و نادرست است .

از آن رو که برخی موضوع «حجاب و عفاف» را مغایر با حضور اجتماعی زن می انگارند ، بررسی این مساله پنجمین بخش کتاب را به خود اختصاص داده است . تحلیل ابعاد حجاب و عفاف در زندگی زنان و پاسخشگویی به برخی پرسش ها هدف این بخش می باشد . هدف نویسنده این بوده است که معنای متضاد با بی بندوباری ، لبرالیزم جنسی و به تعبیر قرآن « تبرج » را تشریح کند و به این پرسش پاسخ گوید که آیا زنانگی زنان و مردانگی مردان می تواند در صحنه اجتماع بروز داشته باشد ، یا این که در انحصار محیط خانواده است و زن و مرد در عرصه اجتماع باید به عنوان دو انسان ظاهر شده و به فعالیت بپردازند؟ مولف با تاکید بر اینکه حیا و عفت به عنوان یک خصلت انسانی ، مبنای روابط زن و مرد در فرهنگ اسلامی می باشد و پوشش و متعلقات آن ، در راستای حفظ و رشد این خصلت قرار دارد و منع از تبرج و اختلاط نیز با همین فلسفه شکل گرفته ، تلاش کرده عفاف را به عنوان فلسفه پوشش و در واقع روح آن معرفی کند و سپس به تبیین شرایط عمومی پوشش پرداخته است ، با این نتیجه گیری کلی که در اسلام برای پوشش حدود و شرایط عمومی بیان گشته و به شکل و نوع خاصی تاکید نشده است . زیرا لباس و پوشش از امور تعدیدی توفیقی نیست . اگر لباس آن شرایط عمومی را داشت و آن حدود را پوشاند دیگر منعی در آن نیست و این به اختلاف اوضاع و احوال متفاوت خواهد بود .

« کتابشناسی توصیفی مجموعه ها » ششمین و آخرین بخش کتاب را تشکیل می دهد و این علاوه بر نشان دادن احکامی که مراکز علمی و محافل فرهنگی اسلامی در دوره های مختلف گذشته و حال نسبت به زنان و مسایل آنان داشته اند ، می تواند علاقه مندان به این دست مباحث را در دستیابی به منابع مختلف و آشنایی اجمالی با آنها یاری کند . پیش درآمد این بخش یادکردی از چند نکته است ؛ یکی اینکه سابقه تالیف و تدوین درباره مسایل زنان ، در حوزه فرهنگ اسلامی ، بسی دیرینه است و به قرن های نخست بازمی گردد . البته آنچه تا قرن سیزدهم نگاشته شده غالبا اختصاص به گردآوری و نقل احادیث ، تاریخ و نقل حوادث پیرامون زنان ، و احکام فقهی ویژه بانوان دارد و نوعا هرگونه تجزیه و تحلیل خالی است و با نگرش رایج در باب زن که موجودی ناتوان و ضعیف ، فته گر و ... می باشد ، نگاشته شده است . اما همزمان با ارتباط مسلمانان با دنیای غرب ، دوره ای دیگر در تالیف آغاز می گردد که با نقد و رد و تحلیل همراه است .

دیگر اینکه ما شاهد گسترش پژوهش ها و نوشته ها ، کتابشناسی ها و کتابنامه ها در باب مسایل زنان هستیم . نگاهی به کتابنامه ها و کتابشناسی هایی که در همین زمینه تاکنون منتشر شده نشان دهنده حجم کارهای انجام شده است . گسترش نشریات ویژه زنان نیز قابل توجه است .

# نخستین ساخت هویت مشترک زن و مرد ، عرصه کمالات انسانی است و باب کمالات انسانی در پرتو شریعت اسلامی ، یکسان به روی زنان و مردان گشوده است روکی بر روی گشوده است

نویسنده بحث اصلی در این بخش را به معرفی توصیفی پنج مجموعه در مسایل زنان اختصاص داده است ؛ با این انگیزه در گزینش که « این کتب بیش از یک جلد است و با نگاههای جدید به مسایل پرداخته اند ، گرچه نویسندگان آنها دارای یک طرز فکر نبوده اند . در این مجموعه ها به بیشتر مسایل مطرح در حوزه مطالعات زنان پرداخته شده و پرسشها و شبهات جدید را نیز منظور داشته اند . از سوی دیگر این مجموعه ها به زبان عربی تدوین شده و قابل استفاده برای فارسی زبانان نبوده است . »

مجموعه های یاد شده عبارتند از : ۱- المفصل فی احکام المرأه و البیت المسلم ، ۱۱ جلد ؛ ۲- تحریر المرأه فی عصر الرساله ، ۶ جلد ؛ ۳- مسائل حرجه فی فقه المرأه ، ۴ جلد ؛ ۴- المرأه فی الفکر الاسلامی ، ۲ جلد و ۵- جامع مسائید النساء ، ۲ جلد .

تلاش نویسنده محترم در معرفی این مجموعه ها کاری است مفید و درخور استفاده اما نقشی که استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در تبیین و تحلیل منطقی و راهگشای مسایل زنان به عنوان نقطه عطفی در تاریخ مباحث زن و خانواده در جامعه ما داشته اند مناسب و شایسته می نمود که به تناسب این بخش به آثار آن متفکر ارجمند پرداخته شود و حداقل پیش از پرداختن به مجموعه های یاد شده در ردیف آثار قابل توجهی که در باب مسایل زنان نگاشته شده از آثار ایشان نیز یاد شود .

زن در ۲۴۰ صفحه و در قطع رقی ، با توجه به بخشهایی که دارد و با توجه به شیوه ای که نویسنده محترم در نگارش و تدوین آن به کار بسته است ، در مجموع برای علاقه مندان که به دنبال آشنایی اجمالی با این دست مباحث هستند ، کتابی خواندنی را پیش روی می نهد .